





مژده برای عصر جدید

یا

فهرست مندرجات			
صفحه		صفحه	
۵۶۱	نسالونیکیان (دوم)	۳	انجیل متی
۵۶۶	تیموتاوس (اول)	۹۷	۵ مرقس
۵۷۶	تیموتاوس (دوم)	۱۵۳	۵ لوقا
۵۸۲	تیطس	۲۵۰	۵ یوحنا
۵۸۹	فلپون	۳۱۹	کارهای رسولان
۵۹۲	عبرانیان		نامه‌های پولس رسول به :
۶۲۱	نامه یعقوب	۴۰۸	رومان
۶۳۱	نامه اول پطرس	۴۳۶	قرنتیان (اول)
۶۴۲	نامه دوم پطرس	۴۸۲	قرنتیان (دوم)
۶۴۹	نامه اول یوحنا	۵۰۸	غلاطیان
۶۶۰	نامه دوم یوحنا	۵۲۱	افسیان
۶۶۲	نامه سوم یوحنا	۵۳۴	فیلیپیان
۶۶۴	نامه یهودا	۵۴۴	کولسیان
۶۶۸	مکاشفه	۵۵۳	نسالونیکیان (اول)

عهد جدید

خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح
که از زبان یونانی ترجمه شده است

چاپ اول

سال ۱۹۷۶ میلادی

چاپ دوم با تصحیح

سال ۱۹۷۸ میلادی

از انتشارات انجمن کتاب مقدس

سندوق پستی ۱۲۱۲
تهران



انجیل متی

فصل اول

شجره نامه عیسی مسیح
(معمّن در لوقا ۳ : ۲۲-۲۸)

۱ شجره نامه عیسی مسیح، پسر داود، پسر ابراهیم؛

۲ ابراهیم پدر اسحاق بود و اسحاق پدر یعقوب و یعقوب پدر یهودا و برادران او بود. ۳ و یهودا پدر فارص و زارح (از تامار) و فارص پدر حصرون و حصرون پدر ارام ۴ و ارام پدر همیناداب و همیناداب پدر نحشون و نحشون پدر شلمون ۵ و شلمون پدر بوهر (از راحاب) و بوهر پدر عبید (از روت) و عبید پدر یسی ۶ و یسی پدر داود پادشاه بود . داود پدر سلیمان بود (از زوجه اوریا) ۷ و سلیمان پدر رحبعام و رحبعام پدر ابیه و ابیه پدر آسا ۸ و آسا پدر یهوشافاط و یهوشافاط پدر یورام و یورام پدر عزیا ۹ و عزیا پدر یوتام و یوتام پدر احاز و احاز پدر حزقیاه ۱۰ و حزقیاه پدر منسی و منسی پدر آمون و آمون پدر یوشیاه بود ۱۱ و یوشیاه پدر یکنیا و برادران او بود. در این زمان یهودیان به بابل تبعید شدند .



۱۲ پس از تبعید یهودیان به بابل یکتیا پدر سائیل شد و سائیل پدر زرو بابل^{۱۳} و زرو بابل پدر ابیهود و ابیهود پدر ایلیا قیم و ایلیا قیم پدر عازور^{۱۴} و عازور پدر صادق و صادق پدر یاکین و یاکین پدر ابیهود^{۱۵} و ابیهود پدر ایلعازر و ایلعازر پدر متان و متان پدر یعقوب^{۱۶} و یعقوب پدر یوسف شوهر مریم بود و مریم عیسی ملقب به مسیح را به دنیا آورد.

۱۷ به این ترتیب از ابراهیم تا داود چهارده نسل و از داود تا تبعید یهودیان به بابل چهارده نسل و از زمان تبعید تا مسیح چهارده نسل است.

تولد عیسی

(مجدون در لوقا ۲: ۷-۱)

۱۸ تولد عیسی مسیح چنین بود: مریم مادر او که به عقد یوسف در آمده بود قبل از آنکه به خانه شوهر برود بوسیله روح القدس آستان شد. ۱۹ یوسف که مرد نیکوکاری بود و نمیخواست مریم را در پیش مردم رسوا کند تصمیم گرفت مخفیانه از او جدا شود. ۲۰ یوسف قنوز در این فکر بود که فرشته خداوند در خواب به او ظاهر شد و گفت: «ای یوسف پسر داود، از بردن مریم به خانه خود نترس. زیرا آنچه در رحم او است از روح القدس است.» ۲۱ او پسری به دنیا خواهد آورد و تو او را عیسی خواهی نامید زیرا او قوم خود را از گناهانشان رهایی خواهد داد.» ۲۲ این همه واقع شد تا آنچه خداوند به وسیله نبی اعلام فرموده بود به انجام رسد:

۲۳ «با کردای آستان شده پسری خواهد زائید که عمانوئیل - یعنی خدا یا ما - خوانده خواهد شد.» ۲۴ یوسف از خواب بیدار شد و طبق دستور فرشته خداوند عمل نمود و مریم را به خانه خود آورد.

۱۵ اما تا زمانیکه مریم پسر خود را به دنیا نیاورد با او همبستر نشد و کودک را عیسی نام نهاد.

فصل دوم

آمدن مجوسیان

۱ عیسی در ایام زمامداری هیروдіس پادشاه در بیت لحم یهودیه تولد یافت. پس از تولد او مجوسانی از مشرق زمین به اورشلیم آمده^۲ پرسیدند: «پادشاه نوزاد یهودیان کجاست؟ ما طلوع ستاره او را دیده و برای پرستش او آمده ایم.»^۳ وقتی هیروдіس پادشاه این را شنید بسیار مضطرب شد و تمام مردم اورشلیم نیز در اضطراب فرو رفتند. ۴ او جلسه ای با شرکت سران کاهنان و ملایان قوم یهود تشکیل داد و در باره محل تولد مسیح موعود از ایشان پرسید. ۵ آنها جواب دادند: «در بیت لحم یهودیه، زیرا در کتاب نبی چنین آمده است: ۶ ای بیت لحم، در سرزمین یهودیه، تو به هیچ وجه از سایر فرمانروایان یهودا کمتر نیستی زیرا از تو ییشوائی ظهور خواهد کرد که قوم من اسرائیل را رهبری خواهد نمود.» ۷ آنگاه هیروдіس از مجوسیان خواست بطور محرمانه با او ملاقات کنند و به این ترتیب از وقت دقیق ظهور ستاره آگاه شد. ۸ وبعد از آن آنها را به بیت لحم فرستاده گفت: «بروید و با دقت به دنبال آن کودک بگردید و همینکه او را یافتید به من خبر دهید تا من هم بیایم و او را پرستش نمایم.» ۹ آنان بنا به فرمان پادشاه حرکت کردند و ستاره ای که طلوعش را دیده بودند پیشاپیش آنان میرفت تا در بالای مکانی که کودک در آن بود توقف کرد. ۱۰ وقتی ستاره را دیدند بی نهایت خوشحال شدند پس به آن خانه وارد شدند و کودک را با مادرش مریم دیده و بروی دراختاره او را پرستش کردند. ۱۱ آنگاه صنوبرهای خود را باز کردند و هدایایی شامل طلا و کدو و



مر به او تقدیم نمودند. ^{۱۲} چون در عالم خواب به آنان اظهار شد که به نزد هیروдіس باز نگردند از راهی دیگر به وطن خود برگشتند. ^{۱۳} و از به مصر

^{۱۴} پس از رفتن آنان فرشته خداوند در خواب به یوسف ظاهر شده گفت: «برخیز، کودک و مادرش را بردار و به مصر فرار کن و تا وقتی که به تو می گویم در آنجا بمان زیرا هیروдіس می خواهد کودک را بکشد و به قتل برساند.» ^{۱۵} پس یوسف برخاست و مادر و طفل را برداشته در همان شب عازم مصر شد. ^{۱۶} و تا وقت مرگ هیروдіس در آنجا ماند و به این وسیله سختی که خداوند به زبان نبی فرموده بود تحقق یافت که: «پسر خود را از مصر فرا خواندم.»

قتل عام اطفال

^{۱۷} وقتی هیروдіس متوجه شد که مجوسیان او را فریب داده اند بسیار غضبناک شد و فرمان قتل عام پسران دو ساله و کمتر را در بیت لحم و تمام حومه آن طبق تارخی که از مجوسیان جویا شده بود صادر کرد. ^{۱۸}

^{۱۹} به این ترتیب کلماتی که به وسیله ارمیا نبی بیان شده بود به حقیقت پیوست:

^{۲۰} «صدائی در راه به گوش رسید.

صدای گریه و ماتم عظیم.

راجیل برای فرزندان خود گریه میکرد و تسلی نمی پذیرفت.

زیرا آنان از بین رفته اند.»

بازگشت از مصر

^{۲۱} پس از درگذشت هیروдіس، فرشته خداوند در مصر در

عالم خواب به یوسف ظاهر شده ^{۲۲} به او گفت: «برخیز و کودک و مادرش را بردار و به سرزمین اسرائیل روانه شو زیرا آن کسانی که قصد جان کودک را داشتند درگذشته اند.» ^{۲۳} پس او برخاسته کودک و مادرش را برداشت و به سرزمین اسرائیل برگشت. ^{۲۴} ولی وقتی شنید که آرکلائوس به جای پدر خود هیروдіس در یهودیه به فرمانروائی رسیده است ترسید که به آنجا برود و چون در خواب به او وحی رسید به سرزمین جلیل رفت ^{۲۵} و در آنجا در شهری به نام ناصره ساکن شد. بدین طریق پیشگویی انبیاء که گفته بودند: «او ناصری خوانده خواهد شد» تحقق یافت.

فصل سوم

موعظه یحییای تعمید دهنده

(مجتبى در مرقس ۱: ۸-۱۱ و لوقا ۳: ۱-۱۸ و یوحنا ۱: ۱۹-۲۸)

^۱ در آن زمان یحییای تعمید دهنده در بیابان یهودیه ظاهر شد و تطیم داده می گفت: ^۲ «توبه کنید زیرا پادشاهی آسمانی نزدیک است.» ^۳ یحیی همان کسی است که اشیاء نبی در باره او می گوید:

«مردی در بیابان فریاد میزند:

راه خداوند را آماده سازید

و مسیر او را راست گردانید.»

^۴ لباس یحیی از پشم شتر بود و کمربندی چرمی به کمر داشت و خوراکش ملخ و حبل صحرائی بود.

^۵ مردم از اورشلیم و تمام یهودیه و نواحی رود اردن پیش او می آمدند ^۶ و به گناهان خود اعتراف می کردند و در رود اردن از او تعمید می گرفتند.

^۷ وقتی یحیی دید بسیاری از فریسیان و صدفویان برای تعمید



آمده اند به آنان گفت: «ای مارها چه کسی شما را آگاه گرد تا از غضب آینده بگریزید؟» پس اعمالی را که شایسته توبه باشد انجام دهید.^۸ در این فکر نیاشید که پدری مانند ابراهیم دارید. بدانید که خدا قادر است از این سنگها برای ابراهیم فرزندان بیافریند.^۹ اکنون تیشه بر ریشه درختان گذاشته شده و هر درختی که میوه خوب به بار نیاورد بریده و در آتش افکنده خواهد شد.^{۱۰} من شما را با آب تعمید میدهم و این تعمید نشانه توبه شما است ولی کسی که بعد از من میآید، از من توانا تر است و من لایق آن نیستم که حتی کفش های او را بردارم. او شما را با روح القدس و آتش تعمید خواهد داد.^{۱۱} او چنگال خود را در دست گرفته و خرمن خود را پاک خواهد کرد. گندم را در انبار جمع میکند ولی کاه را در آتش خاموش نشدنی خواهد سوزانید.»

تعمید عیسی

(مبعثن در مرقس ۱: ۹-۱۱ و لوقا ۳: ۲۱-۲۲)

^{۱۲} در آن وقت عیسی از جلیل به رود اردن پیش یحیی آمد تا از او تعمید بگیرد.^{۱۳} یحیی سعی کرد او را از این کار منصرف نماید و گفت: «آیا تو پیش من می آیی؟ من احتیاج دارم از تو تعمید بگیرم.» عیسی در جواب گفت: «بگذار فعلا این طور باشد، زیرا به این وسیله احکام شریعت را به جا خواهیم آورد.» پس یحیی قبول کرد.^{۱۴} عیسی پس از تعمید، فوراً از آب بیرون آمد. آنگاه آسمان گشوده شد و او روح خدا را دید که مانند کبوتری نازل شده به سوی او می آید.^{۱۵} و صدائی از آسمان شنیده شد که می گفت: «این است پسر عزیز من که از او خوشنودم.»

آزمایشهای سه هفته

(مبعثن در مرقس ۱: ۱۲-۱۳ و لوقا ۴: ۱-۱۳)

آنگاه روح خدا عیسی را به بیابان برد تا ابلیس او را در مقابل وسوسه ها امتحان کند.^۱ عیسی چهل شبانه روز روزه گرفت و سرانجام گرسنه شد.^۲ در آن وقت وسوسه کننده به او نزدیک شده گفت: «اگر تو پسر خدا هستی بگو این سنگها نان بشود.» عیسی در جواب گفت: «کتاب مقدس میفرماید: زندگی انسان فقط پسته به نان نیست بلکه به هر کلمه ای که خدا میفرماید.»^۳ آنگاه ابلیس او را به بیت المقدس برده بر روی کنگره معبد بزرگ قرار داد^۴ و به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی خود را از اینجا به پائین بینداز زیرا کتاب مقدس میفرماید: او به فرشتگان خود فرمان خواهد داد و آنان تو را بر روی دست خواهند برد میاد پایت به سنگی بخورد.»^۵ عیسی جواب داد: «کتاب مقدس همچنین میفرماید: خداوند، خدای خود را امتحان نکن.»^۶ بار دیگر ابلیس او را بر بالای کوه بسیار بلندی برد و تمامی ممالک جهان و شکوه و جلال آنها را به او نشان داد.^۷ و گفت: «اگر پیش من سجده کنی و مرا پرستی همه اینها را به تو خواهم داد.»^۸ عیسی به او فرمود: «دور شو، ای شیطان، کتاب مقدس میفرماید: باید خداوند، خدای خود را پرستی و فقط او را خدمت نمایی.»

^۹ آنگاه ابلیس عیسی را ترک نمود و فرشتگان آمده او را خدمت کردند.

شروع کار عیسی در جلیل

(مبعثن در مرقس ۱: ۱۴-۱۵ و لوقا ۴: ۱۴-۱۵)

^{۱۱} وقتی عیسی شنید که یحیی بازداشت شده است به استان



تعالیم و خدمات عیسی

(مسیح در لوقا ۱۶: ۱۷-۱۹)

۳۳ عیسی در تمام جلیل مسی گشت ، در کتیسه های آنها تعلیم میداد و مؤذۀ پادشاهی خدا را اعلام میکرد و بیماریها و ناخوشی های مردم را شفا می بخشید . ۳۴ او در تمام سوریه شهرت یافت و تمام کسانی را که به انواع امراض و دردها مبتلا بودند و دیوانگان و مصروعان و مقفلوجان را نزد او می آوردند و او آنها را شفا می بخشید . ۳۵ جمعیت کثیری نیز از جلیل و دکاپولس ، از اورشلیم و یهرده و از آن سوی اردن به دنبالش او روانه شدند .

فصل پنجم

وعظه سرکوه

۱ وقتی عیسی جمعیت زیادی را دید ، به بالای کوهی رفت و در آنجا نشست و شاگردانش به نزد او آمدند ۲ و او دهان خود را گشود به آنان چنین تعلیم داد :

خوشبختی واقعی

(مسیح در لوقا ۱۶: ۲۰-۲۳)

۳ خوشا به حال کسانی که از فقر روحی خود آگاهند زیرا ، پادشاهی آسمانی از آن ایشان است .
۴ خوشا به حال ماتم زدگان ، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت .
۵ خوشا بحال فروتنان ، زیرا ایشان مالک جهان خواهند شد .
۶ خوشا به حال کسانی که گرسنه و تشنه نیکی مطلق هستند ، زیرا ایشان سیر خواهند شد .
۷ خوشا به حال رحم کنندگان ، زیرا ایشان رحمت خواهند دید .
۸ خوشا به حال پاک دلان ، زیرا ایشان خدا را خواهند دید .
۹ خوشا به حال صلح دهندگان ، زیرا ایشان فرزندان خدا

جلیل رفت . ۱۲ ولی در شهر ناصره نمائند بلکه به کفرناحوم که در کنار دریای جلیل و در نواحی زبولون و نفتالی واقع است رفت و در آنجا ماندگار شد . ۱۳ و با این کار سخنان اشعیه نبی تحقق یافت که می فرماید :

۱۴ « زبولون و نفتالی ،

سرزمین هایی که در مسیر دریا و آن سوی اردن هستند .

جلیل در قسمت پیگانگان .

۱۵ قومی که در تاریکی به سر می برند

نور عظیمی خواهند دید

و بر آنانیکه در سرزمین سایه مرگه ساکنند

نوری خواهد درخشید . »

۱۶ عیسی از آن روز به اعلام پیام خود پرداخت و گفت : « توبه

کنید زیرا پادشاهی آسمانی نزدیک است . »

دعوت چهار ماهیگیر

(مسیح در مرقس ۱: ۱۶-۲۰ و لوقا ۵: ۱-۱۱)

۱۸ وقتی عیسی در کنار دریای جلیل قدم می زد دو برادر یعنی شمعون ملقب به بطرس و برادرش اندریاس را دید که تور به دریا می انداختند زیرا آنها ماهیگیر بودند . ۱۹ عیسی به ایشان فرمود : « دنبال من بیایید تا شما را صیاد مردم گردانم . ۲۰ آن دو نفر فوراً تورهایشانرا گذاشته به دنبال او رفتند .

۲۱ عیسی از آنجا قلری جلوتر رفت و دو برادر دیگر یعنی یعقوب زبدی و برادرش یوحنا را دید که با پدر خود زبدی در قایق نشسته مشغول آماده کردن تورهای خسود بودند . عیسی آنها را پیش خود خواند ۲۲ و آنها فوراً قایق و پدرشان را ترک کرده به دنبال او رفتند .



خوانده خواهند شد .

۱۱ خورشها به حال کسانی که در راه نیکی جفا می‌یستند ، زیرا پادشاهی آسمانی از آن ایشان است .

۱۲ خوشحال باشید اگر به خاطر من به شما اهانت میکنند و جفا می‌رسانند و به ناحق هرگونه افترائی به شما می‌زنند . ۱۳ خوشحال باشید و بسیار شادی کنید، زیرا پادشاهی شما در آسمان عظیم است چون همینطور به پیامبران قبل از شما نیز جفا می‌رسانیدند .

نمک و نور

(همچنین در مرقس ۵: ۱۳ و لوقا ۱۴: ۳۵-۳۴)

۱۴ شما نمک جهان هستید ولی هرگاه نمک مزه خود را از دست بدهد چگونه می‌توان آن را بار دیگر نمکین ساخت ؟ دیگر مصرفی ندارد جز آنکه بیرون ریخته پامال مردم شود .

۱۵ شما نور جهان هستید . نمی‌توان شهری را که بر کوهی بنا شده است پنهان کرد . ۱۶ هیچ کس چراغ روشن نمی‌کند که آن را زیر سرپوش بگذارد بلکه آن را بر چراغپایه قرار می‌دهد تا به تمام ساکنان خانه نور دهد . ۱۷ نور شما نیز باید همین‌طور در برابر مردم بتابد تا کلرهای نمک شما را ببینند و پدر آسمانی شما را تمجید نمایند .

شریعت

۱۸ فکر نکنید که من آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را منسوخ نمایم . نیامده‌ام تا منسوخ کنم بلکه تا به کمال برسانم . ۱۹ یقین بدانید که تا آسمان و زمین برجای هستند هیچ حرف و نقطه‌ای از تورات از بین نخواهد رفت تا همه آن تحقق یابد ۲۰ پس هرگاه کسی حتی کوچکترین احکام شریعت را بشکند و به دیگران چنین تعلیم دهد در پادشاهی آسمانی پست‌ترین فرد محسوب خواهد شد

حال آنکه هر کس شریعت را رعایت کند و به دیگران نیز چنین تعلیم دهد در پادشاهی آسمانی بزرگ خوانده خواهد شد . ۲۱ بدانید که تا نیکی شما از نیکی ملایان یهود و فریسیان بیشتر نباشد به پادشاهی آسمانی وارد نخواهید شد .

خشم و غضب

۲۲ شنیده‌اید که در قدیم به مردم گفته شد : « قتل نکن و هر کس مرتکب قتل شود محکوم خواهد شد . » ۲۳ اما من به شما می‌گویم : هر کس نسبت به برادر خود عصبانی شود محکوم خواهد شد و هر که برادر خود را ایله بخواند به دادگاه برده خواهد شد و اگر او را « احمق » بخواند مستوجب آتش جهنم خواهد بود . ۲۴ پس اگر هدیه خود را به قربانگاه ببری و در آنجا به خاطر بیابوری که برادرت از تو شکایتی دارد ، ۲۵ هدیه خود را جلوی قربانگاه بگذار و اول برو با برادر خود آشتی کن و آنگاه برگرد و هدیه خویش را تقدیم کن .

۲۶ با مدعی خود وقتی که هنوز در راه دادگاه هستی صلح نما والا آن مدعی تو را به دست قاضی خواهد سپرد و قاضی تو را به دست زندانبان خواهد داد و به زندان خواهی افتاد . ۲۷ یقین بدان که تا دینار آخر را نپردازی آزاد نخواهی شد .

زنا

۲۸ شنیده‌اید که گفته شده : « زنا نکن » ۲۹ اما من به شما می‌گویم هرگاه مردی از روی شهوت به زنی نگاه کند در دل خود با او زنا کرده است . ۳۰ پس اگر چشم راست تو باعث گمراهی تو میشود آن را بیرون آور و دورانداز ، زیرا بهتر است که عضوی از بدن خود را از دست بدهی تا اینکه با تمام بدن به جهنم افکنده



شوی . ۳۰ اگر دست راستت تو را گمراه می‌سازد آنرا ببر و دور انداز زیرا بهتر است که عضوی از بدن خود را از دست بدهی تا اینکه با تمام بدن به جهنم بیفتی .

طلاق

(همچنین در متی ۱۹ : ۹ و مرقس ۱۰ : ۱۱ - ۱۲ و لوقا ۱۶ : ۱۸)

۳۱ همچنین گفته شده : « هرگاه مردی با زن خود متارکه نماید باید طلاقنامه‌ای به او بدهد » ۳۱ اما من به شما می‌گویم : هرگاه کسی زن خود را جز به علت زنا طلاق دهد او را به زناکاری می‌کشاند و هر کس با چنین زنی ازدواج نماید زنا می‌کند .

سوغند خوردن

۳۲ همچنین شنیده‌اید که در قدیم به مردم گفته شد : « قسم دروغ نخور و به هر سوگندی که به نام خداوند یاد کرده‌ای عمل نما » ۳۲ اما من می‌گویم به هیچوجه قسم یاد نکن ، نه به آسمان زیرا که عرش خدا است ، ۳۳ نه به زمین زیرا که پای انداز او است ، نه به اورشلیم زیرا که شهر آن پادشاه بزرگ است ۳۴ و نه به سرخود ، زیرا قادر نیستی موئی از آن را سیاه یا سفید کنی . ۳۵ سخن شما فقط بلی یا خیر باشد . زیاده براین از شیطان است .

افعام

(همچنین در لوقا ۶ : ۲۹ - ۳۰)

۳۸ شنیده‌اید که گفته شده : « چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان » ۳۸ اما من به شما می‌گویم به کسی که به تو بدی میکند بدی نکن و اگر کسی برگونه راست تو سبلی میزند گونه دیگر خود را بطرف او بگردان . ۳۹ هرگاه کسی تو را برای گرفتن پیراهنت به دادگاه بکشاند کت خود را هم به او ببخش . ۴۰ هرگاه

شخصی تو را به پیسودن يك ميل راه مجبور نماید دو ميل پا او برو . ۴۱ به کسی که از تو چیزی می‌خواهد ببخش و از کسی که تقاضای قرض می‌کند روی نگردان .

مهربانی با دشمنان

(همچنین در لوقا ۶ : ۲۷ - ۲۸ و ۲۲ - ۲۶)

۴۲ شنیده‌اید که : « همسایه خود را دوست بدار و با دشمن خویش دشمنی کن . » ۴۳ اما من به شما می‌گویم دشمنان خود را دوست بدارید و برای کسانی که به شما جفا می‌رسانند دعا کنید . ۴۴ به این وسیله شما فرزندان پدر آسمانی خود خواهید شد ، چون او آفتاب خود را بر بدان و نیکان یکسان می‌تاباند و باران خود را بر درستکاران و بدکاران می‌باراند . ۴۵ اگر فقط کسانی را دوست بدارید که شما را دوست دارند چه اجری دارید؟ مگر باجگیران همین کار را نمی‌کنند ؟ ۴۶ اگر فقط به دوستان خود سلام کنید چه کار فوق‌العاده‌ای کرده‌اید ؟ مگر بی‌دینان همین کار را نمی‌کنند ؟ ۴۷ پس شما باید کامل باشید همانطور که پدر آسمانی شما کامل است .

فصل ششم

صدقه دادن

۱ مواظب باشید که کارهای نیک خود را برای جلب توجه مردم در انتظار دیگران انجام ندهید زیرا اگر چنین کنید هیچ اجری نزد پدر آسمانی خود ندارید . ۲ پس هرگاه صدقه می‌دهی آنرا با ساز و کرنا اعلام نکن چنانکه ریاکاران در کنیسه‌ها و خیابانها می‌کنند تا مورد ستایش مردم قرار بگیرند . یقین بدانید که آنان اجر خود را بافته‌اند . ۳ و اما تو ، هرگاه صدقه می‌دهی نگذار دست چپ تو



۱۶

متی ۶

از آنچه دست راست می‌کند آگاه شود . ۴ از صدقه دادن تو کسی با خبر نشود و پدري که هیچ چیز از نظر او پنهان نیست اجر تو را خواهد داد .

دعا

(مسیحین در لوقا ۱۱ : ۲ - ۴)

۵ وقتی دعا می‌کنید مانند ریاکاران نباشید . آنان دوست دارند در کنیسه‌ها و گوشه‌های خیابانها بایستند و دعا بخوانند تا مردم آنان را ببینند . یقین بدانید که آنها اجر خود را یافته‌اند [۶ هرگاه تو دعا می‌کنی به اندرون خانه خود برو ، در را ببند و در خلوت در حضور پدر نادیده خود دعا کن و پدري که هیچ چیز از نظر او پنهان نیست اجر تو را خواهد داد . ۷ در وقت دعا مانند بت پرستان وردهای بی‌معنی را تکرار نکنید ، آنان گمان می‌کنند با تکرار زیاد ، دعایشان مستجاب می‌شود . ۸ پس مثل ایشان نباشید زیرا پدر شما احتیاجات شما را پیش از آنکه از او بخواهید میداند ۹ پس شما اینطور دعا کنید :

« ای پدر آسمانی ما ،

نام تو مقدس باد .

۱۱ پادشاهی تو بیاید .

اراده تو همانطور که در آسمان اجرا میشود در

زمین نیز اجرا شود .

۱۲ نان روزانه ما را امروز بده .

۱۳ خطایای ما را ببخش ، چنانکه ما نیز کسانی را که

به ما خطا کرده‌اند ببخشید .

۱۴ ما را از وسوسه‌ها دور نگهدار و از شریر رهایی ده .

متی ۶

۱۷

زیرا پادشاهی و قدرت و جلال تا ابد آباد از آن تو است . آمین . ۵

۱۶ « چون اگر شما خطایای دیگران را ببخشید پدر آسمانی شما

نیز شما را خواهد بخشید ۱۷ اما اگر شما مردم را نبخشید پدر آسمانی شما نیز خطایای شما را نخواهد بخشید .

روژه

۱۸ وقتی روژه می‌گیرید مانند ریاکاران خودتان را افسرده نشان ندهید . آنان قیافه‌های خود را تغییر میدهند تا روزه‌دار بودن خود را به رخ دیگران بکشند . یقین بدانید که آنها اجر خود را یافته‌اند ۱۹ اما تو وقتی روژه می‌گیری به سرت روغن بز و صورت خود را بشوی ۲۰ تا مردم از روژه تو باخبر نشوند بلکه فقط پدر تو که در نهان است آن را بداند و پدري که هیچ چیز از نظر او پنهان نیست اجر تو را خواهد داد .

۲۱ مناجات آسمانی

(مسیحین در لوقا ۱۲ : ۲۲ - ۳۴)

۱۹ گنجهای خود را بر روی زمین ، جایی که پید و زنگ به آن زبان می‌رساند و دزدان ثقب زده آن را می‌دزدند ، ذخیره نکنید . ۲۰ بلکه گنجهای خود را در عالم بالا ، یعنی در جایی که پید و زنگ به آن آسیبی نمی‌رساند و دزدان ثقب نمی‌زنند و آن را نمی‌دزدند ، ذخیره کنید . ۲۱ زیرا هرچجا گنج تو است دل تو نیز در آنجا خواهد بود .

چراغ بدن

(مسیحین در لوقا ۱۱ : ۳۴ - ۳۶)

۲۲ چراغ بدن ، چشم است . اگر چشم تو سالم باشد ، تمام



وجودت روشن است.^{۲۲} اما اگر چشم تو سالم نباشد تمام وجودت در تاریکی خواهد بود. پس اگر آن نوری که در تو است ظلمت باشد، آن چه ظلمت عظیمی خواهد بود!

خدا و داری!

(همچنین در لوقا ۱۶: ۱۳، ۱۲: ۲۲-۳۱)

^{۲۳} هیچ کس نمی‌تواند بنده دو ارباب باشد چون یا از اولی بدش می‌آید و دومی را دوست دارد و یا به اولی ارادت پیدا میکند و دومی را حقیر می‌شمارد. شما نمی‌توانید هم بنده خدا باشید و هم در بند مال.

^{۲۴} بنابراین به شما می‌گویم برای زندگی خود نگران نباشید که چه بخورید و یا چه بپوشید و نه برای بدن خود که چه بپوشید، زیرا زندگی از غذا و بدن از لباس مهمتر است.^{۲۵} به پرندگان نگاه کنید: آنها نه می‌کارند، نه درو می‌کنند و نه در انبارها ذخیره می‌کنند ولی پدر آسمانی شما روزی آنها را می‌دهد. مگر ارزش شما به مراتب از آنها بیشتر نیست؟^{۲۶} کدام یک از شما میتواند با نگرانی ساعتی به عمر خود بیفزاید؟

^{۲۷} چرا برای لباس نگران هستید؟ به سوسنهای صحرا نگاه کنید و ببینید چگونه نمو می‌کنند، آنها نه زحمت می‌کشند و نه می‌ریزند.^{۲۸} ولی بدانید که حتی صلیبان هم با آن همه حسرت و جلال مثل یکی از آنها آرامسته نشد.^{۲۹} پس اگر خدا صلف صحرا را که امروز هست و فردا به تنور ریخته میشود اینطور می‌آورد آیا شما را، ای کم ایمانان، به مراتب بهتر نخواهد پوشانید؟^{۳۰} پس نگران نباشید و نگویید: «چه بخوریم؟» «چه بپوشیم؟» و یا «چه بپوشیم؟»^{۳۱} تمام ملل جهان برای بدست آوردن این چیزها تلاش

می‌کنند، اما پدر آسمانی شما میداند که شما به همه این چیزها احتیاج دارید.^{۳۲} شما قبل از هر چیز برای بدست آوردن پادشاهی خدا و انجام خواسته‌های او بکوشید، آن وقت همه این چیزها نیز به شما داده خواهد شد.^{۳۳} پس نگران فردا نباشید، نگرانی فردا برای فردا است و بسنی امروز برای امروز کافی است.

فصل هفتم

قضاوت در باره دیگران

(همچنین در لوقا ۶: ۳۷-۴۸ و ۴۱-۴۲)

^۱ در باره دیگران قضاوت نکنید تا مورد قضاوت قرار نگیرید.^۲ همانطور که شما دیگران را محکوم می‌کنید خودتان نیز محکوم خواهید شد. با هر پیمانه‌ای که به دیگران بدهید با همان پیمانه عوض خواهید گرفت.^۳ چرا پر کاهی را که در چشم برادرت هست می‌بینی ولی در فکر چوب بزرگی که در چشم خود داری نیستی؟^۴ یا چگونه جرأت میکنی به برادر خود بگویی: «اجازه بده پرکاه را از چشمت بیرون آورم» حال آنکه خودت چوب بزرگی در چشم داری.^۵ ای رباکار، اول آن چوب بزرگه را از چشم خود بیرون بیاور و آنگاه درست خواهی دید که پرکاه را از چشم برادرت بیرون بیاوری.

^۶ آنچه مقدس است به سگان ندهید و مرواریدهای خود را جلوی خوکها نریزید. مبادا آنها را زیر پا لگنمال کنند و برگشته شما را بدرند.

خواستن، جستجو کردن و کوبیدن
(همچنین در لوقا ۱۱: ۹-۱۳)

^۷ بخواهید، به شما داده خواهد شد. بجوئید، پیدا خواهید کرد. بکوبید، در به رویتان باز خواهد شد.^۸ چون هر که بخواهد بدست



می آورد و هر که بگوید پیدا میکند و هر که بگوید در برویش باز می شود . ۹ آیا کسی در میان شما هست که وقتی پسرش از او نان بخواند منگی به او بدهد؟ ۱۰ و یا وقتی ماهی می خواهد ماری در دمنش بگذارد؟ ۱۱ پس اگر شما که انسانهای گناهکاری هستید بدانید چگونه باید چیزهای خوب را به فرزندان خود بدهید چقدر بیشتر باید مطمئن باشید که پدر آسمانی شما چیزهای نیکو را به آنانی که از او تقاضا می کنند عطا خواهد فرمود!

۱۲ با دیگران همانطور رفتار کنید که می خواهید آنها با شما رفتار کنند. این است خلاصه تورات و نوشته های انبیاء .

در تنگ

(همچنین در لوقا ۱۳ : ۲۴)

۱۳ از در تنگ وارد شوید زیرا دری که بزرگ و راهی که وسیع است به هلاکت منتهی می شود و کسانی که این راه را می پیمایند بیایند ۱۴ اما دری که به حیات منتهی می شود تنگ و راهش دشوار است و پابندگان آن هم کم هستند .

درخت و میوه آن

(همچنین در لوقا ۶ : ۴۴-۴۵)

۱۵ از انبیاء دروغین برخیز باشید که در لباس میش به نزد شما می آیند ولی در باطن گرگان درنده اند. ۱۶ آنان را از اعمالشان خواهید شناخت. آیا می توان از بوته خار انگور و از خارین انجیر چید؟ ۱۷ همینطور درخت خوب میوه نیکو بیار می آورد و درخت فاسد میوه بد . ۱۸ درخت نیکو نمیتواند میوه بد بیار آورد و نه درخت فاسد میوه نیکو . ۱۹ درختی که میوه خوب بیار فایده آن را می برند و در آتش می اندازند . ۲۰ بنابراین شما آنها را از میوه هایشان خواهید شناخت .

شما را نمی شناسم

(همچنین در لوقا ۱۳ : ۲۵ - ۲۷)

۲۱ نه هر کس که مرا و خداوند ، خداوند ، خطاب کند به پادشاهی آسمانی وارد خواهد شد ، بلکه کسی که اراده پدر آسمانی مرا به انجام برساند . ۲۲ وقتی آن روز برسد بسیاری به من خواهند گفت : « خداوند ، خداوند ، آیا به نام تو نبوت نکردیم ؟ آیا بنا ذکر نام تو دیوها را بیرون فرادیدیم ؟ و به نام تو معجزات بسیار نکردیم ؟ » ۲۳ آنگاه صریحاً به آنان خواهم گفت : « من هرگز شما را نمی شناسم . از من دور شوید ، ای بدکاران . »

دو خانه

(همچنین در لوقا ۱۲ : ۴۷ - ۴۹)

۲۴ پس کسی که سخنان مرا می شنود و به آنها عمل میکند مانند شخص دانائی است که خانه خود را بر سنگ بنا نمود. ۲۵ باران بارید ، سیل جاری شد و باد وزیده بر آن خانه زور آور گردید ، اما آن خانه خراب نشد زیرا شالوده آن بر روی سنگ بود. ۲۶ اما هر که سخنان مرا بشنود و به آنها عمل نکند مانند شخص نادانی است که خانه خود را بر روی شن بنا کرد. ۲۷ باران بارید ، سیل جاری شد و باد وزیده به آن خانه زور آور گردید و آن خانه فرو ریخت و چه خرابی عظیمی بود ! »

۲۸ وقتی عیسی این سخنان را به پایان رسانید مردم از تعالیم او متحیر شدند ۲۹ زیرا او بر خلاف روش ملایان یهود ، با اختیار و اقتدار به آنان تعلیم میداد .



فصل هشتم

شفای جدایی

(همچنین در مرقس ۱: ۲۵-۲۸ و لوقا ۵: ۱۲-۱۶)

۱ وقتی عیسی از کوه پائین آمد جمعیت زیادی پشت سر او حرکت کرد. ۲ در این هنگام يك نفر جدایی به او نزدیک شد و پیش او به خاک افتاده گفت: «ای آقا، اگر بخواهی میتوانی مرا پاك سازی.» ۳ عیسی دست خود را دراز کرده او را لمس نمود و گفت: «البتة می‌خواهم، پاك شو» و فوراً آن مرد از جذام خود شفا یافت. ۴ آنگاه عیسی به او فرمود: «مواظب باش که چیزی به کسی نگوئی، بلکه برو و خودت را به کاهن نشان بده و به خاطر شفای خود هدیه‌ای را که موسی مقرر کرده است تقدیم کن. تا آنها شفای تو را تصدیق نمایند.»

شفای خادم يك افسر رومی

(همچنین در لوقا ۷: ۱-۱۰)

۵ در آن وقت که عیسی به کفرناحوم وارد می‌شد يك سروان رومی جلو آمد و با اشماس به او گفت: ۶ «ای آقا، سلام من مفلوج در خانه افتاده است و سخت درد میکشد.» ۷ عیسی فرمود: «من می‌آیم و او را شفا می‌دهم» ۸ اما آن سروان در جواب گفت: «ای آقا، من لایق آن نیستم که تو به زیر سقف خانه من بیایی. فقط دستور بده و غلام من شفا خواهد یافت.» ۹ چون خود من يك مأمور هستم و سربازانی هم زیر دست خویش دارم. وقتی به یکی می‌گویم «برو» میرود و به دیگری می‌گویم «بیا» می‌آید و وقتی به نوکر خود می‌گویم: «این کار را بکن» میکند. ۱۰ عیسی از شنیدن این سخنان تعجب کرد و به مردی که به دنبال او آمده بودند فرمود: «به شما می‌گویم که من چنین ایمانی در میان قوم اسرائیل

هم ندیده‌ام ۱۱ بدانید که بسیاری از مشرق و مغرب آمده با ابراهیم و اسحاق و یعقوب در پادشاهی آسمانی بر سر يك سفره خواهند نشست ۱۲ اما کسانی که برای این پادشاهی تولد یافتند به بیرون در ظلمت، جائیکه گریه و فشار دندان است، افکنده خواهند شد.» ۱۳ سپس عیسی به آن سروان گفت: «برو، مطابق ایمانت به تو داده شود.» در همان لحظه غلام او شفا یافت.

شفای بیماران

(همچنین در مرقس ۱: ۲۹-۳۴ و لوقا ۴: ۳۸-۴۱)

۱۴ وقتی عیسی به خانه پطرس رفت، مادر زن پطرس را دید که در بستر خوابیده است و تب دارد. ۱۵ عیسی دست او را لمس کرد. تب او قطع شد و برخاسته به پذیرایی عیسی پرداخت. ۱۶ همینکه غروب شد بسیاری از دیوانگان را نزد او آوردند و او با گفتن يك کلمه دیوها را بیرون می‌کرد و تمام بیماران را شفا می‌داد ۱۷ تا پیشگوئی اشعیاء نبی تحقق یابد که گفته بود:

«او ضعف‌های ما را برداشت

و مرض‌های ما را از ما دور ساخت.»

پیروی از مسیح

(همچنین در لوقا ۹: ۵۷-۶۲)

۱۸ عیسی جمعیتی را که به دورش جمع شده بودند دید و به شاگردان خود دستور داد که به طرف دیگر دریاچه بروند. ۱۹ یکی از ملابان یهود پیش آمده گفت: «ای استاد، هر جا که بروی به دنبال تو می‌آیم.» ۲۰ عیسی در جواب گفت: «روباهان برای خود لانه و پرندگان برای خود آشیانه دارند اما پسرانسان جایی ندارد که در آن بآرامد.» ۲۱ یکی دیگر از پیروان او به او گفت: «ای آقا، اجازه بده اول بروم و پدرم را به خاک بسپارم.» ۲۲ عیسی جواب داد: «به



دنیا را من بیا و بگذار مردگان، مردگان خود را دفن کنند.»

آرام ساختن دریای طوفانی

(همچنین در مرقس ۴: ۳۵-۴۱ و لوقا ۸: ۲۲-۲۵)

۲۳ عیسی سوار قایق شد و شاگردانش هم با او حرکت کردند. ۲۴ ناگهان طوفانی در دریا برخاست بطوریکه امواج، قایق را پیر می ساخت، ولی عیسی در خواب بود. ۲۵ پس شاگردان آمده او را بیدار کردند و با فریاد گفتند: «ای خداوند، ما را نجات بده، ما داریم هلاک می شویم.» ۲۶ عیسی گفت: «ای کم ایمانان، چرا اینقدر می ترسید؟» و سپس برخاسته با پرعاش به باد و دریا فرمان داد و دریا کاملاً آرام شد. ۲۷ شاگردان از آنچه واقع شد متحیر شده گفتند: «این چگونه شخصی است که باد و دریا هم از او اطاعت می کنند؟»

شفای دو دیوانه

(همچنین در مرقس ۵: ۲۰-۲۱ و لوقا ۸: ۲۶-۲۹)

۲۸ هنگامی که عیسی به آن طرف دریا به سرزمین جدریان رسید دو دیوانه از میان قبرها بیرون آمده با او رویو شدند. آنها آنقدر خطرناک بودند که هیچ کس جرأت نداشت از آنجا عبور کند. ۲۹ آن دو نفر با فریاد گفتند: «ای پسر خدا، با ما چه کار داری؟ آیا به این جا آمده ای تا ما را قبل از وقت عذاب دهی؟» ۳۰ قدری دورتر از آن محل، یک گله بزرگه خوک مشغول چریدن بود ۳۱ و دیوها از عیسی خواهش کرده گفتند: «اگر می خواهی ما را بیرون برانی، ما را به داخل آن گله خوک بفرست.» ۳۲ عیسی فرمود: «بروید» پس آنها بیرون آمده به داخل خوکها رفتند. تمام آن گله از بالای تپه به دریا هجوم بردند و در آب هلاک شدند. ۳۳ خوک بانان پا به فرار گذاشته به شهر رفتند و تمام داستان و

ماجرای دیوانگان را برای مردم نقل کردند. ۳۴ در نتیجه تمام مردم شهر برای دیدن عیسی بیرون آمدند و وقتی او را دیدند از او تقاضا کردند که آن ناحیه را ترک نماید.

فصل نهم

شفای مفلوج

(همچنین در مرقس ۹: ۱-۱۲ و لوقا ۹: ۱۷-۲۶)

۱ عیسی سوار قایق شد و از دریا گذشته به شهر خود آمد. ۲ در این وقت چند نفر یک مفلوج را که در بستر خوابیده بود پیش او آوردند. عیسی ایمان آنان را دیده به آن مرد گفت: «پسر، دل نوی دار، گناهانت آمرزیده شد.» ۳ فوراً بعضی از ملایان یهود پیش خود گفتند: «این مرد سخنان کفرآمیز می گوید.» ۴ عیسی به افکار آنان پی برده گفت: «چرا این افکار پلید را در دل خود می پرورانید؟» ۵ آیا گفتن «گناهانت آمرزیده شد» آسانتر است یا گفتن «پسرخیز و راه برو»؟ ۶ اما حالا ثابت خواهم کرد که پسر انسان بر روی زمین حق آمرزیدن گناهان را دارد. ۷ سپس به آن مفلوج گفت: «پسرخیز، بستر خود را بردار و به خانه ات برو.» ۸ آن مرد برخاست و به خانه خود رفت. ۹ مردم از دیدن این واقعه بسیار تعجب کردند و خدا را به خاطر عطای چنین قدرتی به انسان شکر نمودند.

دعوت متی

(همچنین در مرقس ۲: ۱۳-۱۷ و لوقا ۹: ۲۷-۳۲)

۱ عیسی از آنجا گذشت و در بین راه مردی را بنام متی دید که در محل وصول عوارض نشسته بود. عیسی به او گفت: «به دنبال من بیا.» متی برخاسته به دنبال او رفت. ۲ هنگامیکه عیسی در خانه او بسر سفره نشسته بود بسیاری از خطاکاران و باجگیران و



اشخاص دیگر آمدند و با عیسی و شاگردانش سر یک سفره نشستند.
۱۱ فریسیان این را دیده به شاگردان عیسی گفتند: «چرا استاد شما با باجگیران و خطاکاران غذا می‌خورد؟» ۱۲ عیسی سخن آنان را شنیده گفت: «بیماران به طبیب احتیاج دارند، نه تندرستان.» ۱۳ بروید و معنی این کلام را بفهمید: «من رحمت می‌خواهم نه قربانی» زیرا من نیامدم تا پرهیزکاران را دعوت کنم بلکه گناهکاران را.»

سؤال در باره روزه

(همچنین در مرقس ۲: ۱۸-۲۲ و لوقا ۵: ۲۳-۲۹)

۱۴ شاگردان یحیی نزد عیسی آمده پرسیدند: «چرا ما و فریسیان روزه می‌گیریم ولی شاگردان تو روزه نمی‌گیرند؟» ۱۵ عیسی در جواب گفت: «آیا انتظار دارید دوستان داماد در حالیکه داماد با ایشان است عزاداری کنند؟ زمانی می‌آید که داماد از ایشان گرفته می‌شود، در آن روزها روزه خواهند گرفت.» ۱۶ «هیچکس لباس کهنه را با پارچه نو و آب نرفته وصله نمی‌کند زیرا در اینصورت آن وصله از لباس جدا می‌گردد و پارگی بدتری ایجاد می‌کند.» ۱۷ شراب تازه را نیز در مشك کهنه نمی‌ریزند، اگر بریزند مشكها پاره می‌شود، شراب بیرون می‌ریزد و مشكها از بین می‌رود. شراب تازه را در مشكهای نو می‌ریزند تا هم شراب و هم مشك سالم بماند.»

زنه کردن يك دختر و شفای يك زن

(همچنین در مرقس ۵: ۲۱-۴۳ و لوقا ۸: ۴۰-۵۶)

۱۸ عیسی هنوز سخن می‌گفت که سرپرست یکی از کنیسه‌ها به نزد او آمد و تعظیم کرده گفت: «دختر من همین آلمان مرد، ولی میدانم اگر تو بیائی و بر او دست بگذاری او زنده خواهد شد.» ۱۹ عیسی برخاسته و با او رفت و شاگردانش نیز به دنبال

او حرکت کردند. ۲۰ در این وقت زنی که مدت دوازده سال به خونریزی مبتلا بود از پشت سر عیسی آمد و دامن ردای او را لمس کرد، ۲۱ زیرا پیش خود می‌گفت: «اگر فقط بتوانم ردایش را لمس کنم شفا خواهم یافت.» ۲۲ عیسی برگشت و او را دیده فرمود: «دخترم، دل قوی‌دار. ایمان تو، تو را شفا داده است» و از همان لحظه او شفا یافت.

۲۳ وقتی عیسی به خانه سرپرست کنیسه رسید و نوحه‌سرایان و مردم وحشت‌زده را دید ۲۴ فرمود: «همه بیرون بروید» این دختر نموده بلکه خواب است.» اما آنها فقط به او می‌خندیدند. ۲۵ وقتی عیسی همه را بیرون کرد به داخل اطلاق رفت و دست دختر را گرفت و او برخاست. ۲۶ خبر این واقعه در تمام آن نواحی انتشار یافت.

شفای دو نابینا

۲۷ در حالیکه عیسی از آنجا می‌گذشت دو کور به دنبال او رفتند و فریاد می‌کردند «ای پسر داود، به ما رحم کن» ۲۸ و وقتی او به خانه رسید آن دو نفر پیش او آمدند. عیسی از آنها پرسید: «آیا ایمان دارید که من قادر هستم این کار را انجام دهم؟» آنها گفتند «بلی، ای آقا» ۲۹ پس عیسی چشمان آنها را لمس کرد و فرمود: «برطبق ایمان شما براینان انجام بشود» ۳۰ و چشمان آنها باز شد. عیسی با اصرار از آنها خواست که در باره این موضوع چیزی به کسی نگویند. ۳۱ اما همینکه از خانه بیرون رفتند در تمام آن نواحی در باره او صحبت کردند.

شفای مرد لالی

۳۲ در حالیکه آن دو نفر بیرون می‌رفتند شخصی را پیش عیسی



آوردند که لال بود زیرا دیو داشت. ^{۳۳} عیسی دیو را از او بیرون کرد و زبان او باز شد. مردم از این موضوع بسیار تعجب کرده گفتند: «چیزی مانند این هرگز در میان قوم اسرائیل دیده نشده است.» ^{۳۴} اما فریسیان گفتند: «او به کمک رئیس شیاطین، دیوها را بیرون می‌کند.»

دوازده عیسی برای مردم

^{۳۵} عیسی در تمام شهرها و دهات می‌گشت و در کنیسه‌ها تعلیم می‌داد و مژده پادشاهی خدا را اعلام میکرد و هر نوع ناخوشی و بیماری را شفا می‌داد. ^{۳۶} وقتی او جمعیت زیادی را دید دلش به حال آنها سوخت زیرا آنان مانند گوسفندان بدون شبان پسرشان حال و درمانده بودند. ^{۳۷} پس به شاگردان خود گفت: «در حقیقت محصول فراوان است ولی کارگر کم.» ^{۳۸} بنابراین شما باید از صاحب محصول درخواست نمائید تا کارگرانی برای جمع‌آوری محصول خود بفرستد.»

فصل دهم

دوازده حواری

(همچنین در مرقس ۳: ۱۳-۱۶ و لوقا ۱۶: ۱۶-۱۷)

^۱ عیسی دوازده حواری را پیش‌خود خواند و به آنان قدرت داد تا ارواح ناپاک را بیرون کنند و هر نوع بیماری و مرض را شفا بخشند. ^۲ این است اسامی آن دوازده رسول: اول سمعون معروف به پطرس و برادرش اندریاس، یعقوب فرزند زبدي و برادرش یوحنا، ^۳ فیلیپس و برتولما، توما و متای باجگیر، یعقوب پسر حلفی و قدي، ^۴ سمعون غبور و یهودای اسخريوطی که عیسی را به دست دشمنان تسلیم کرد.

مأموریت حواریون

(همچنین در مرقس ۶: ۷-۱۳ و لوقا ۹: ۱-۶)

^۵ عیسی این دوازده نفر را به مأموریت فرستاده به آنها گفت: «از سرزمینهای غیر یهود عبور نکنید و به هیچ يك از شهرهای سامریان وارد نشوید، ^۶ بلکه نزد گوسفندان گمشدهٔ خاندان اسرائیل بروید.» ^۷ در بین راه اعلام کنید که پادشاهی آسمانی نزدیک است. ^۸ بیماران را شفا دهید، مردگان را زنده کنید، جذامیان را پاک سازید و دیوها را بیرون کنید. مفت یافته‌اید، مفت بدهید. ^۹ برای سفر، طلا و نقره و مس باخورد نبرید، ^{۱۰} و کوله‌بار یا پیراهن اضافی و کفش و چوب‌دستی بردارید، چون کارگر مستحق معاش خود می‌باشد.

^{۱۱} به هر شهر و روستایی که وارد می‌شوید دنبال کسی بگردید که شایسته باشد و تا زمانیکه در آنجا هستید در منزل او بمانید. ^{۱۲} وقتی به خانه‌ای وارد می‌شوید سلام بگوئید، ^{۱۳} اگر آن خانواده لایق آن باشد سلام شما بر آنها قرار می‌گیرد و اگر شایسته نباشد سلام شما به خودتان بر میگردد. ^{۱۴} اگر کسی شما را نپذیرد و یا به آنچه می‌گوئید گوش ندهد و قتی که آن خانه یا آن شهر را ترک می‌کنید، گرد و خاک آنرا از پای خود بکنانید. ^{۱۵} بدانید که در روز قیامت حالت ستم و غموره از آن شهر بهتر خواهد بود.

جوړ و جفا

(همچنین در مرقس ۱۳: ۱۳-۱۷ و لوقا ۱۲: ۱۷-۱۸)

^{۱۶} خوب توجه کنید، من شما را مانند گوسفندان به میان گرگها میفرستم. شما باید مثل مار هوشیار و مانند کبوتر، بی‌آزار باشید. ^{۱۷} مواظب باشید زیرا مردم شما را تحویل دادگاه‌ها خواهند داد، و شما را در کنیسه‌ها تازیانه خواهند زد ^{۱۸} و شما را به محاکمات



۳۰

متی ۱۰

من پیش فرمانروایان و پادشاهان خواهند برد تا در برابر آنان و ملل بیگانه شهادت دهید .^{۲۸} اما وقتی شما را دستگیر می کنند نگران نباشید که چه چیز و چطور بگوئید چون در همان وقت آنچه باید بگوئید به شما داده خواهد شد ؛^{۲۹} زیرا گویند ، شما نیستید بلکه روح پدر آسمانی شما است که در شما سخن می گوید .^{۳۰} برادر ، برادر را و پدر ، فرزند را تسلیم مرگ خواهند نمود . فرزندان علیه والدین خود برخوانند خامت و بساحت کشتن آنها خواهند شد .^{۳۱} همه مردم به خاطر نام من که شما بر خود دارید از شما متنفر خواهند بود ، اما کسی که تا آخر ثبات بماند نجات خواهد یافت .^{۳۲} هرگاه شما را در شهری آزار می رسانند به شهر دیگر پناهنده شوید . بدانید که پیش از آنکه به تمام شهرهای اسرائیل برسید پسر انسان خواهد آمد .

^{۳۳} شاگرد از معلم خود و خادم از ارباب خویش بالاتر نیست .^{۳۴} شاگرد می خواهد به مقام معلم خود برسد و خادم به مقام ارباب خویش . اگر پدر خانه را بپذیرد بخواهند چه نسبتی بدتری به اهل خانه اش خواهند داد .

از کجی باید آرسید

(همچنین در لوقا ۱۲: ۷-۲)

^{۳۵} پس ترمید ، هر چه پوشیده است ، پرده از روی آن برداشته می شود و هر چه پنهان است آشکار خواهد شد .^{۳۶} آنچه را من در تاریکی به شما می گویم باید در روز روشن اعلام کنید و آنچه را محرمانه می شنوید باید در بام خانه ها یا صدای بلند بگوئید .^{۳۷} از کسانی که جسم را میکشند ولی قادر به کشتن جان نیستند ترمید . از کسی بترسید که قادر است جسم و جان ، هر دو را در دوزخ تپاه سازد .

۲۱

متی ۱۰

^{۳۸} آیا دو گنجشک به يك ريال فروخته نمی شود ؟ با وجود این ، بدون اجازه پدر آسمانی شما حتی یکی از آنها به زمین نخواهد افتاد .^{۳۹} و اما در مورد شما ، حتی موهای سر شما شمرده شده است . پس ترمید ، شما از گنجشکهای بیشتر ارزش دارید .

اعتراف به ایمان

(همچنین در لوقا ۱۲: ۸-۹)

^{۴۰} پس هر کس در برابر مردم خود را از آن من بداند من نیز در برابر پدر آسمانی خود او را از آن خود خواهم دانست .^{۴۱} اما هر که در برابر مردم بگوئید که مرا نمیشناس من نیز در حضور پدر آسمانی خود خواهم گفت که او را نمی شناسم .

شمشیر یا صلح

(همچنین در لوقا ۱۲: ۵۱-۵۳ و ۲۶: ۲۷)

^{۴۲} گمان نکنید که آمده ام تا صلح به زمین بیاورم ، نیامده ام که صلح بیاورم بلکه شمشیر .^{۴۳} من آمده ام تا در میان پدر و پسر ، دختر و مادر ، عروس و مادر شوهر اختلاف بیاورم .^{۴۴} دشمنان شخصی ، اعضای خانواده خود او خواهند بود .^{۴۵} هر که پدر یا مادر خود را بیشتر از من دوست داشته باشد لایق من نیست و هر کس که دختر یا پسر خود را پیش از من دوست بدارد لایق من نیست .^{۴۶} هر که صلیب خود را بر ندارد و به دنبال من نیاید لایق من نیست .^{۴۷} هر کس فقط در فکر زندگی خود باشد آن را از دست خواهد داد ولی کسی که به خاطر من زندگی خود را از دست بدهد زندگی او در امان خواهد بود .

اجر و پاداش

(همچنین در مرقس ۹: ۴۱)

^{۴۸} هر که شما را بپذیرد مرا بپذیرد و هر که مرا بپذیرد فرستند مرا بپذیرد است .^{۴۹} هر کس پیامبری را به خاطر اینکه

متی ۱۰ و ۱۱

۲۲

پیامبر است بپذیرد اجر يك پیامبر را به دست خواهد آورد و هر کس شخص نیکوکاری را بخاطر اینکه نیکوکار است بپذیرد اجر يك نیکوکار را خواهد یافت .^{۵۰} یقین بدانید که هرگاه کسی به یکی از کوچکترین پیروان من ، به خاطر اینکه پیرو من است ، حتی يك جرعه آب سرد بدهد به هیچ وجه بی اجر نخواهد ماند .



فصل نوزدهم

تعلیم عیسی در باره طلاق

(همچنین در مرقس ۱۰ : ۱-۱۲)

۱ وقتی عیسی این سخنان را بپایان رسانید جلیل را ترك كرد و به نواحی یهودیه در آن طرف رود اردن رفت . ۲ جمعیت زیادی به دنبال او رفتند و عیسی آنها را در آنجا شفا داد . ۳ بعضی از فریسیان هم پیش او آمده از روی امتحان از او پرسیدند : « آیا جایز است که مرد به هر حلتی که بخواهد زن خود را طلاق دهد ؟ » ۴ عیسی در جواب از آنها پرسید : « آیا تا بحال نخوانده‌اید که پروردگار از ابتدا انسان را زن و مرد آفرید ؟ ۵ به این سبب است که مرد ، پدر و مادر خود را ترك میکند و به زن خود می‌پیوندد و آن دو یکی می‌شوند ۶ از این رو آنها دیگر دو تن نیستند بلکه یکی هستند ، پس آنچه را که خدا به هم پیوسته است انسان نباید جدا سازد . » ۷ آنها پرسیدند : « پس چرا موسی اجازه داد که مرد با دادن يك طلاقنامه به زن خود از او جدا شود ؟ » ۸ عیسی در جواب گفت : « به خاطر سنگدلی شما بود که موسی اجازه داد از زن خود جدا شوید ، ولی از ابتدای خلقت چنین نبود . ۹ اما من به شما می‌گویم هر کس زن خود را به هر حلتی بجز حلت زنا طلاق دهد و با زن دیگری ازدواج نماید



مرتکب زنا میشود. ۱۰ شاگردان به او گفتند: «اگر شوهر در مقابل زنش باید چنین وضعی داشته باشد بهتر است که دیگر کسی ازدواج نکند» ۱۱ عیسی به آنها گفت: «همه نمی‌توانند این سخن را قبول کنند، مگر کسانی که استعداد آنها داشته باشند. ۱۲ بعضی‌ها طوری به دنیا آمده‌اند که اصلاً نمی‌توانند ازدواج کنند، عده‌ای هم به دست انسان مقطوع‌النسل شده‌اند و عده‌ای نیز بخاطر پادشاهی آسمانی از ازدواج خودداری میکنند. بنابراین هرکس قدرت اجرای این تعلیم را دارد آنها بپذیرد.»

عیسی بچه‌های کوچک را برکت می‌دهد
(همچنین در مرقس ۱۰: ۱۳-۱۶ و لوقا ۱۸: ۱۵-۱۷)

۱۳ در این وقت عده‌ای از مردم، بچه‌های کوچک را پیش عیسی آوردند تا او دست خود را بر سر آنها بگذارد و برای آنها دعا کند. اما شاگردان آنها را بخاطر این کار سرزنش کردند. ۱۴ اما عیسی به آنان فرمود: «بگذارید بچه‌های کوچک نزد من بیایند و مانع آنان نشوید، زیرا پادشاهی آسمانی به چنین کسانی تعلق دارد.» ۱۵ عیسی دست خود را بر سر کودکان گذاشت و سپس از آنجا رفت.

جوان دولتمند

(همچنین در مرقس ۱۰: ۱۷-۲۱ و لوقا ۱۸: ۱۸-۲۰)

۱۶ در این هنگام مردی جلو آمد و از عیسی پرسید: «ای استاد چه کار نیکی باید بکنم تا بتوانم حیات جاودانی را بدست آورم؟» ۱۷ عیسی به او گفت: «چرا در باره نیکی از من سؤال میکنی؟ فقط یکی نیکو است. اما اگر تو مایل هستی به حیات وارد شوی احکام شریعت را نگاه‌دار.» ۱۸ او پرسید: «کدام احکام؟» عیسی در جواب فرمود: «قتل مکن، زنا مکن، دزدی نکن، شهادت دروغ نده»

۱۹ احترام پدر و مادر خود را نگماز و همسایه‌ات را مانند خود دوست بدار. ۲۰ آن جوان پاسخ داد: «من همه اینها را نگاهداشته‌ام، دیگر چه چیزی کم دارم؟» عیسی به او فرمود: «اگر میخواهی کامل باشی برو، دارائی خود را بفروش و به بیچارگان بده تا برای تو در عالم بالا ثروتی اندوخته شود. آن وقت بیا و از من پیروی کن.» ۲۱ وقتی آن جوان این را شنید با دلی افسرده از آنجا رفت زیرا ثروت بسیار داشت.

۲۲ عیسی به شاگردان خود فرمود: «بدانید که ورود دولتمندان به پادشاهی آسمانی بسیار دشوار است» ۲۳ باز هم می‌گویم که گذشتن شتر از سوراخ سوزن آمانتر است تا ورود يك شخص دولتمند به پادشاهی خدا. ۲۴ شاگردان از شنیدن این سخن سخت ناراحت شده پرسیدند: «پس چه کسی میتواند نجات بیابد؟» ۲۵ عیسی به آنان نگاه کرد و فرمود: «برای ائمان این محال است ولی برای خدا همه چیز ممکن می‌باشد.» ۲۶ پطرس در جواب به او گفت: «ما که همه چیز را ترك کرده و دنبال تو آمده‌ایم، پاداش ما چه خواهد بود؟» ۲۷ عیسی پاسخ داد: «در حقیقت به شما می‌گویم که در روز مصاد، در آن هنگام که پسرانسان با شکوه و جلال آسمانی بر تخت پادشاهی خود جلوس میکند، شما که از من پیروی کرده‌اید بر دوازده تخت خواهید نشست و بر دوازده طایفه اسرائیل داوری خواهید نمود. ۲۸ و هر کس که پس‌ه خاطر من خانه و برادران و خواهران و پدر و مادر و کودکان و زمین و ملک خود را ترك کرده باشد چندین برابر پاداش خواهد گرفت و حیات جاودانی بدست خواهد آورد. ۲۹ اما بسیاری از کسانی که اکنون اول هستند، آخر خواهند شد و بسیاری از آنها که اکنون آخر هستند اول خواهند بود.»



می‌کنند برای تظاهر و خودنمایی است. دعا‌های بسته شده به بازوی خود را قطورتر و دامن ردای خویش را پهن‌تر می‌سازند. ۶ آنها دوست دارند در صدر مجالس بنشینند و در کتیبه‌ها بهترین جا را داشته باشند. ۷ و مردم در کوچه‌ها به آنها سلام نمایند و آنها را «استاد» خطاب کنند. ۸ اما شما نباید «استاد» خوانده شوید زیرا شما یک استاد دارید و همه شما برادر هستید. ۹ هیچ‌کس را بروی زمین پدر نخوانید زیرا شما یک پدر دارید، یعنی همان پدر آسمانی. ۱۰ و نباید «پیشوا» خوانده شوید زیرا شما یک پیشوا دارید که مسیح است. ۱۱ کسی در میان شما از همه بزرگتر است که خادم همه باشد. ۱۲ زیرا هر که خود را بزرگ سازد حقیر خواهد شد و هر که خود را فروتن سازد به بزرگی خواهد رسید. ۱۳

عیسی ریاکاری آنان را محکوم می‌کند

(همچنین در مرقس ۱۲: ۴۰-۴۱ و لوقا ۱۱: ۳۹-۴۰ و ۵۲ و ۲۰: ۴۷)

۱۳ و ای بر شما ای ملایان و فریسیان ریاکار! شما درهای پادشاهی آسمانی را بر روی مردم می‌بندید، خودتان وارد نمی‌شوید و دیگران را هم که می‌خواهند وارد شوند باز می‌دارید. [۱۴ و ای بر شما ای ملایان و فریسیان ریاکار، شما مال پیوه‌زنان را می‌بلعید و حال آنکه محض خود نمائی نماز خود را طول می‌دهید، به این جهت شما شدیدترین کیفرها را خواهید دید.]

۱۵ و ای بر شما ای ملایان و فریسیان ریاکار، شما دریا و خشکی را طای می‌کنید تا کسی را پیدا کنید که دین شما را بپذیرد. و وقتی که موفق شدید او را دو برابر بدتر از خودتان سزاوار جهنم می‌سازید. ۱۶ و ای بر شما ای راهنمایان کور، شما می‌گویید: اگر کسی به معبد سوگند بخورد چیزی نیست، اما اگر به طلاهای معبد سوگند بخورد موظف است به سوگند خود وفا کند. ۱۷ ای احمقان و ای کوران،

فصل بیست و سوم

کارهای غلط فریسیان و ملایان یهود

(همچنین در مرقس ۱۲: ۲۸-۲۹ و لوقا ۱۱: ۴۱ و ۴۶ و ۲۰: ۴۵-۴۶)

۱ آنگاه عیسی به مردم و شاگردان خود گفت: ۲ «چون ملایان و فریسیان بر کرسی موسی نشسته‌اند، ۳ شما باید به هرچه آنها می‌گویند گوش دهید و مطابق آن عمل نمائید اما از اعمال آنان پیروی نکنید زیرا خود آنها آنچه می‌گویند نمی‌کنند. ۴ آنها بارهای سنگین را می‌بندند و بردوش مردم می‌گذارند در حالی که خودشان حاضر نیستند برای بلند کردن آن بار حتی انگشت خود را تکان دهند. ۵ هر چه



صتی ۲۳

۷۲

کدام مهتر است طلا، یا معبد که طلا را تقدیس می کند؟^{۱۸} شما می گوید: هرگاه کسی به قربانگاه سوگند بخورد چیزی نیست! اما اگر به هدایایی که در قربانگاه قرار دارد سوگند بخورد موظف است به آن عمل کند.^{۱۹} ای کوران! کدام مهتر است هدایا، یا قربانگاهی که هدایا را تقدیس می کند؟^{۲۰} کسی که به قربانگاه سوگند یاد می کند به آن و به هرچه بر روی آن است سوگند می خورد^{۲۱} و کسی که به معبد سوگند می خورد به آن و به هدایی که در آن ساکن است سوگند خورده است.^{۲۲} و هرگاه کسی به آسمان سوگند بخورد به تخت خدا و آنکس که بر آن می نشیند سوگند خورده است.^{۲۳} وای بر شما ای ملایان و فریسیان ریاکار، شما از نعل و شویید و زیره ده یک می دهید اما مهمترین احکام شریعت را که عدالت و رحمت و صداقت است نادیده گرفته اید. شما باید اینها را انجام دهید و در عین حال از انجام سایر احکام غفلت نکنید.^{۲۴} ای راهنمایان کور که پشه را صافی می کنید و شتر را می بلعید.^{۲۵} وای بر شما ای ملایان و فریسیان ریاکار، شما بیرون پیاله و بشقاب را پاک می کنید در حالیکه درون آن از ظلم و ناپرهیزی پر است.^{۲۶} ای قریسی کور، اول درون پیاله را پاک کن که در آن صورت بیرون آن هم پاک خواهد بود.

^{۲۷} وای بر شما ای ملایان و فریسیان ریاکار، شما مثل مقبره های سفید شده ای هستید که ظاهری زیبا دارند اما داخل آنها پر از استخوانهای مردگان و انواع کثافات است!^{۲۸} شما هم همینطور ظاهر را مردمانی درستکار ولی در باطن پر از ریاکاری و شرارت هستید. ۵